



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته ادیان و عرفان تطبیقی

# محیط زیست در اندیشه مولانا جلال الدین محمد بلخی

استاد راهنما:

دکتر مهدی حسن زاده

استاد مشاور:

دکتر علی اشرف امامی

نگارنده:

سید حمید رضا رئوف

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با تقدیر و تشکر از جناب آقای دکتر حسن‌زاده  
که در تمام مراحل پژوهش، رهنمایم بودند و از  
کوله بار دانش خود بی‌نصیبم نگذاشتند. از  
خداوند برایشان موفقیت روز افزون خواستارم.

با کمال قدردانی از جناب آقای دکتر  
اشرف‌امامی، مشاور محترم پایان‌نامه، امیدوارم  
که ایشان نیز همیشه در راه علم پایدار باشند.

و با تشکر از همسر خوبم که تا پایان کار  
همراهیم کرد.



بسمه تعالی .  
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان .  
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه:

محیط زیست در اندیشه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

نام نویسنده: سید حمید رضا رئوف

نام استاد راهنما: دکتر مهدی حسن‌زاده

نام استاد مشاور: دکتر علی اشرف‌امامی

دانشکده: شهید مطهری (الهیات)	گروه: ادیان و عرفان تطبیقی	رشته تحصیلی: ادیان و عرفان تطبیقی
تاریخ تصویب:	تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۶/۲۹	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ●	دکتری ○	تعداد صفحات:

چکیده رساله/پایان نامه:

محیط زیست از جمله مباحث عمده در جهان معاصر است؛ زیرا نوع عملکرد و تعامل انسان با محیط زیست اطراف خود سبب شده تا علاوه بر ایجاد آسیب‌های جدی به طبیعت، حیات انسانی نیز مورد تهدید قرار گیرد. مولوی به عنوان یکی از برجسته‌ترین عرفای اسلامی، به واسطه اتصال و درک عمیقی که از متون دینی و عرفانی داشته است، جهان‌بینی را ارائه نموده که در آن چشم‌اندازی از جهان برتر را نمایان می‌سازد.

در جهان‌بینی مولوی نگاه خاصی به عالم و جایگاه انسان در آن وجود دارد که بر مبنای آن تمامی رفتارها و خطاهای انسان در مواجهه با طبیعت اصلاح خواهد شد. نگاه فراحسی مولوی به طبیعت، جایگاه آن را برای انسان به عنوان بستری برای رشد و کمال معنوی بالا می‌برد، هم‌چنین با ارزش‌گذاری بر مقوله وجود تمامی موجودات را مستحق حیثیت و احترام می‌داند.

کلید واژه:	امضای استاد راهنما:
۱. مولوی	تاریخ:
۲. محیط زیست	
۳. جهان‌بینی	
۴. پیوند دوسویه	
۵. عشق	
۶. حیات	

## «فهرست مطالب»

۱	بخش اول: کلیات تحقیق
۲	تبیین مسئله
۴	پیشینه تحقیق
۵	سؤالات اساسی تحقیق
۶	فرضیه‌های تحقیق
۸	ضرورت تحقیق
۸	روش تحقیق
۱۱	گزارشی از فصول تحقیق
۱۴	محدودیت‌های تحقیق
۱۷	بخش دوم: مختصری در معرفی زندگی و آثار مولوی
۱۹	زندگی و شرح احوال مولوی
۲۹	آثار جلال‌الدین محمد بلخی
۳۰	آثار منظوم
۳۳	آثار منثور
۳۶	بخش سوم: محیط زیست
۳۷	۱. فصل اول: معنای محیط زیست
۴۰	۱-۱. رویکردهای انسان‌محور یا جزء‌نگر
۴۴	۱-۲. رویکردهای محیط زیست‌محور یا کل‌نگر

۴۹	۱-۳. تعریف مختار از محیط زیست
۵۱	۲. فصل دوّم: محیط زیست و انسان
۵۳	۲-۱. چالش‌های زیست‌محیطی پیامد ارتباط انسان و محیط زیست
۵۵	۲-۲. دسته‌بندی عوامل ایجاد چالش‌های زیست‌محیطی
۵۷	۲-۲-۱. مسئله جمعیت
۵۸	۲-۲-۲. الگوی مصرف
۵۹	۲-۲-۲-۱. تأمین انرژی و استفاده از منابع طبیعی
۶۰	۲-۲-۲-۲. بهره‌برداری از گونه‌های زیستی گیاهی (کشاورزی) و جانوری (پرورش حیوانات)
۶۱	۲-۲-۳. پیامدهای فن‌آوری
۶۳	۲-۳. راه‌حل چالش‌های زیست‌محیطی
۶۷	بخش چهارم: رویکرد عرفانی مولوی به محیط‌زیست
۷۱	۱. فصل اوّل: عناصر اصلی در جهان‌بینی مولوی
۷۱	۱-۱. یگانگی مطلق
۷۶	۱-۲. وحدت وجود
۸۶	۱-۳. فاعلیت مطلق
۹۱	۱-۴. تجلّی
۹۷	۱-۵. عشق
۱۰۱	۲. فصل دوّم: شاخصه‌ها و ویژگی‌های عالم هستی
۱۰۱	۲-۱. حیات
۱۰۵	۲-۲. خلق مدام (حیات نو به نو)
۱۰۷	۲-۳. تکلم
۱۰۸	۲-۳-۱. تکلم در ارتباط با حق (طبیعت و خداوند)
۱۱۲	۲-۳-۲. تکلم در اظهار به حق (طبیعت و انسان)
۱۱۴	۳. فصل سوّم: جایگاه انسان در عالم هستی
۱۱۸	۳-۱. انسان‌شناسی مولوی

۱۲۰	۳-۱-۱. هم‌سنخی انسان با طبیعت
۱۲۰	۳-۱-۱-۱. آفرینش انسان از خاک
۱۲۵	۳-۱-۱-۲. تغذیه انسان از خاک
۱۲۸	۳-۱-۲. جایگاه انسان در طبیعت
۱۲۸	۳-۱-۲-۱. تعلیم اسماء
۱۳۱	۳-۱-۲-۲. مسئله امانت
۱۳۳	۳-۱-۲-۳. مقام خلیفة اللّٰهی
۱۴۱	۳-۱-۳. نسبت انسان با طبیعت
۱۴۱	۳-۱-۳-۱. آکل و مأکول
۱۴۴	۳-۱-۳-۲. عالم صغیر و عالم کبیر
۱۴۸	۴. فصل چهارم: نگاه مولوی به عناصر و پدیده‌های طبیعی
۱۵۰	۴-۱. نگاه مولوی به زمین
۱۵۰	۴-۱-۱. دریا
۱۵۷	۴-۲. نگاه مولوی به گیاهان
۱۶۳	۴-۳. نگاه مولوی به حیوانات
۱۷۰	بخش پنجم: نتیجه‌گیری
۱۷۱	نتیجه‌گیری
۱۷۴	فهرست منابع

# بخش اوّل: کلیّات تحقیق



## تبیین مسئله

بشر از آغاز پیدایش و سکونت در زمین، با محیط پیرامون خود تعامل مداومی داشته است. طبیعت همواره برای انسان از جایگاه خاصی برخوردار بوده و به جرأت می‌توان گفت که برای انسان یادآور مبدأ و سرچشمه اصلی خود اوست، چندان‌که واژه طبیعت به معنای اصل، ذات و نهاد نیز به کار می‌رود. واکنش اولیه انسان در مواجهه با طبیعت و پدیده‌های موجود در آن رویکردی با تقدس و احترام بود، اما این امر با گسترش حوزه‌های زیست انسان و افزایش جمعیت او دامن‌دارتر شد و پیشرفت روزافزون علم و گسترش تکنولوژی نیز، حوزه تصرف انسان و تأثیرات مستقیم او بر محیط زیست را شدت بخشید.

در دوره‌های اولیه تعامل انسان با طبیعت، به واسطه این که تأمین نیازهای انسان در سطحی محدود و مبتنی بر نیازهای ضروری جامعه انسانی بود، طبیعت توان بازسازی و بازیابی منابع را داشته و منابع (اعم از خاک، حیوانات و گیاهان) در چرخه باززایی و تولید و رشد مجدد خود، نیازهای انسانی را تأمین می‌کردند. اما پس از انقلاب صنعتی و تغییر رویکرد انسان به طبیعت، استفاده از منابع زیست محیطی در جهت تولید منابع اولیه برای تأمین نیازهای غیرضروری و بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع طبیعی در مسیر رشد سرمایه‌داری، سبب شد تا بهره‌برداری از طبیعت به شکل چشمگیری گسترش یابد. در نتیجه این هجوم همه‌جانبه به منابع طبیعی، بسیاری از منابع تجدیدپذیر رو به نابودی گذاشتند و بسیاری از حوزه‌های طبیعی نیز تخریب شدند.

اگرچه در آغاز بشر به عمق بحران و پیامدهای شکل گرفته ناشی از آن آگاهی نداشت، اما تخریب بسیاری از منابع و عرصه‌های طبیعی به واسطه مالکیت‌های خصوصی و به جهت کسب منافع مادی، منجر به بروز مشکلات متعددی در زندگی انسان‌ها گردید. بروز آلودگی در آب‌ها و سرایت مستقیم آن در خوراک انسان‌ها، تخریب عرصه‌های طبیعی در حوزه دامداری و کشاورزی، نابودی جنگل‌ها و

گسترش آلودگی و به تبع آن بروز بیماری‌های متعدّد، سبب توجّه عمومی به مسائل زیست‌محیطی گردید.

گسترش چالش‌های زیست‌محیطی و سرایت مستقیم آن به حیات و زندگی انسان‌ها سبب شد تا این امر به عنوان مقوله‌ای جهانی مطرح، و سمینارها و جلسات بین‌المللی درباره بحران‌های زیست‌محیطی برگزار شود. نیاز به نگاهی جامع در مورد مسائل زیست‌محیطی و افزایش نگرانی‌های عمومی سبب شد تا رشته‌های علمی متعدّد به بررسی محیط زیست و چالش‌های آن بپردازند. تمامی رویکردهای علمی در جهت ارائه راه‌حلی برای بهبود چالش‌های زیست‌محیطی تلاش می‌نمودند.

از آنجا که حوزه محیط زیست محدود به قسمت معینی از طبیعت نمی‌باشد، هم‌چنین به واسطه رشد تکنولوژی و رسوخ آن در کلیه شئون اجتماعی و زندگی انسان‌ها، تأثیرات انسانی بر محیط زیست متوجّه تک‌تک انسان‌هاست، لذا حوزه‌های بسیاری در سطوح علمی توجّه خود را معطوف به انسان و شیوه تعامل او با طبیعت نمودند. با گسترش توجّه به نوع تعامل انسان با طبیعت در حوزه فردی<sup>۱</sup> و اجتماعی<sup>۲</sup> راهکارهای بسیاری با محوریت توجّه به نوع تعامل انسان با طبیعت شکل گرفت.

اگرچه دیگر رویکردهای علمی در حوزه علوم تجربی، ضروری است، اما اصلی‌ترین عامل ایجاد بحران، انسان و نوع نگاه او به طبیعت است. به همین دلیل اصلی‌ترین تأکیدات در حوزه ارائه راه‌حل چالش‌های زیست‌محیطی مربوط به تغییر نگرش انسان در مواجهه و نوع تعامل با طبیعت است.

آنچه در این بررسی مورد توجّه قرار خواهد گرفت، طرح‌الگویی در جهت تغییر رویکرد و نگاه انسان به طبیعت، از طریق عرفان اسلامی با رویکرد خاص به عرفان مولوی است. به عبارت دیگر، در این پژوهش سعی شده است که از طریق افکار و اندیشه‌های مولوی‌الگویی در جهت تغییر نوع نگاه انسان به طبیعت ارائه شود، تا

---

<sup>۱</sup> یکی از عمده‌ترین رویکردها در حوزه تعامل فرد با طبیعت، اخلاق زیست‌محیطی است. در این رویکرد با ارائه الگوهای اخلاقی خاص در جهت حفظ منافع تمامی گونه‌های حیات، تلاش می‌شود تا شیوه‌های عمل خاصی برای انسان‌ها در مواجهه با طبیعت ارائه شود.

<sup>۲</sup> در حوزه اجتماعی از طریق طرح و اجرای قوانین و مالیات‌ها در جهت به حداقل رساندن آسیب‌های زیست‌محیطی، تلاش می‌شود تا دامنه تأثیرات نامطلوب تعامل انسان با طبیعت به حداقل برسد. هم‌چنین از طریق آموزش عمومی و ارتقاء سطح فرهنگی، در جهت رشد فرهنگ و تغییر نوع نگاه انسان به طبیعت و جایگاه خاص آن در زندگی انسان‌ها تلاش می‌شود.

به وسیله آن راهکاری در جهت حل چالش‌های زیست‌محیطی مطرح نماید. راه حلی که برآیند رویکرد عرفانی مولوی به جهان هستی و جایگاه خاص انسان در آن می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

با وجود این که مطالعات در زمینه ارائه راهکار برای تغییر نوع نگاه انسان به طبیعت، پیشینه قابل توجهی دارد، اما توجه به عرفان به عنوان یک الگو یا راهکار برای ایجاد یک نگاه نو به طبیعت مسئله‌ای نو تلقی می‌شود. این طرح به طور خاص در عرفان مولوی کاملاً جدید تلقی می‌شود، که در زبان فارسی تاکنون به آن پرداخته نشده است. در زبان انگلیسی نیز آنچه به دست آمد، بخشی از کتاب *اسلام و اکولوژی* با عنوان "جهان زنده: طبیعت در مثنوی جلال‌الدین رومی"<sup>1</sup> بود که به شکلی مختصر و با تأکید خاص نویسنده آن به مقوله عشق در *مثنوی*، به نوع نگاه مولوی به طبیعت پرداخته شده بود.

اگرچه محوری بودن مقوله عشق در عرفان مولوی، همچنین تأکید بر *مثنوی* به عنوان الگوی جهان‌نگری مولوی، مورد قبول غالب مولوی پژوهان است، اما در این تحقیق به دیگر آثار مولوی نیز پرداخته شده و تا حد امکان، کوشش شده تا به جهان‌نگری مولوی از دریچه تمامی اقوال و گفتار او توجه شود.

همچنین در این رساله کوشش شده تا طرح بحث در مورد رویکرد مولوی به محیط زیست منحصر در مقوله عشق نباشد، بلکه دیگر رویکردهای عرفانی و نگرش‌های کلامی و فلسفی مولوی در مواجهه با هستی و جایگاه انسان در این نظام نیز مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل به جرأت می‌توان اذعان نمود که این بررسی در نوع خود می‌تواند کاملاً جدید تلقی شود، و تا پیش از آن چنین پژوهشی ارائه نشده است.

### سوالات اساسی تحقیق

سوالاتی که در این رساله مطرح است به شرح زیر می‌باشند:

---

1. Clarke, L., "The Universe Alive: Nature in The Masnavi of Jalal al-Din Rumi", in *Islam and Ecology: a Bestowed Trust (Religions of the World and Ecology)*, foltz, Richard C. (editor), Harvard Divinity School, 2003, p.p 39-65.

۱. آیا محیط زیست در اندیشه و جهان‌بینی مولوی جایگاهی دارد؟  
آیا پیوند اندیشه مولوی با رویکردهای زیست محیطی صریح است؟
۲. رویکرد مولوی (به عنوان یکی از شاخص‌ترین عرفای اسلام) به مسئله محیط زیست چگونه است؟
۳. آیا عرفان مولوی برای حل چالش‌های زیست‌محیطی و تغییر رابطه و نگاه انسان به طبیعت راهکاری دارد؟
۴. آیا راه حل مستخرج از رویکرد عرفانی مولوی عملاً قابل تحقق است؟

### فرضیه‌های تحقیق

جهان‌بینی در مفهوم عام خود شامل تمامی رویکردها و نگرش‌هایی است که انسان برای مواجهه با جهان دارد. این مسئله در مورد مولوی و اندیشه‌های او نیز صادق است. اگرچه محیط زیست علمی متعلق به قرن بیستم است و مباحث و چالش‌های آن نتیجه افعال و نگرش نادرست انسان به طبیعت در طی چند قرن اخیر می‌باشد، اما طبیعت در مفهوم عام خود، به صورت عرصه آفرینش و میدان تجلی خداوندی در عصر مولوی نیز مطرح بوده است.

با در نظر گرفتن جایگاه ویژه مولوی در عرفان اسلامی، می‌توان گفت که جهان‌بینی‌ای که مولوی در آثار خود نشر داده است، شامل رویکرد خاصی به محیط زیست خواهد بود، رویکردی که به نوعی خاص به تعامل انسان با طبیعت می‌نگرد. کشف این رویکرد از مطالعه و بررسی زندگی، آثار و اندیشه‌های او قابل حصول خواهد بود. اگرچه مولوی یک مسلمان است و نگاه او به مقولات متعدّد متأثر از اندیشه دینی اوست، با این حال، می‌توان رویکرد خاص او را که براساس فهم او از دین و گزاره‌های دینی می‌باشد، کشف نمود، فهمی که به درک و تبیین امور اجتماعی و دیگر مقولات زندگی انسان پرداخته و جهان‌بینی فرد را شکل خواهد داد.

اگرچه در آغاز تحقیق فرض بر این بود که مباحث و دلالت‌های مربوط به رویکردهای زیست محیطی از اندیشه و آثار مولوی قابل استخراج است، اما پس از بررسی و مطالعه مشخص شد که این دلالت‌ها به شکل صریح در اندیشه مولوی وجود ندارد و تنها می‌توان از پیوند میان اندیشه و جهان‌بینی مولوی با مباحث و رویکردهای زیست محیطی سخن گفت، البته این امر بسیار مهم‌تر از بیان صرف اندیشه‌ها می‌باشد؛ زیرا در بحث از پیوند اندیشه مولوی و محیط زیست (با وجود فقدان دلالت‌های صریح در مورد محیط زیست) از نوع تعامل انسان با طبیعت و چگونگی

اندیشه و عمل صحیح در مواجهه با آن سخن به میان می‌آید و این امر کلیدی برای حل چالش‌های زیست محیطی محسوب می‌شود. در نتیجه نگاه نگارنده در طی تحقیق از دلالت‌یابی صریح، به ایجاد پیوند میان اندیشه مولوی با محیط زیست تغییر نمود، این تغییر می‌بایست تا عنوان پایان‌نامه پیش می‌رفت، اما به دلیل کمبود زمان از این امر اجتناب شد.

مولوی به عنوان یک مراد معنوی و پیر طریق عرفانی، اندیشه‌ها و روش‌هایی را در مواجهه با امور زندگی به انسان‌ها تعلیم و توصیه نموده است، اندیشه‌ها و روش‌هایی که سعادت حقیقی و معرفت عرفانی را برای انسان به دنبال خواهد داشت. با توجه به بینش عرفانی و طریق اخلاقی مولوی در هدایت انسان، رویکرد برآمده از تعالیم مولوی در مواجهه با طبیعت خواهد توانست به عنوان راهکاری برای چالش‌های زیست‌محیطی ارائه گردد.

همچنین با تأمل و بررسی در شیوة زندگی و عمل این انسان بزرگ، می‌توانیم امکان تحقق نگاه عرفانی مولوی را به جهان (و به شکل خاص به طبیعت) شاهد باشیم. زندگی و عمل مولوی براساس روایت تذکره نویسان و شارحان احوال، بروز و تحقق اندیشه‌های عرفانی اوست، که نشان از قابل تحقق بودن آن اندیشه‌ها است.

## ضرورت تحقیق

گسترش روزافزون جمعیت انسان و به تبع آن، افزایش حوزه تأثیرگذاری و استفاده از منابع طبیعی، خطر نابودی کامل منابع زیست‌محیطی و نابودی انسان را به دنبال دارد. اگرچه این مسئله در کشورهای جهان سوم، به واسطه فقر فرهنگی و بی‌توجهی به پیامدهای تعاملات زیست محیطی، نادیده انگاشته می‌شود، با این حال، این مسئله بسیار جدی بوده و تلاش‌های زیادی در حوزه‌های متعدد علمی و فرهنگی در این زمینه به انجام می‌رسد.

تحقیق در زمینه معرفی رویکرد عرفانی مولوی به محیط زیست علاوه بر روشن ساختن قسمتی از اندیشه‌های این عارف شهیر، کوششی در جهت ارائه الگویی مناسب برای تغییر نوع نگرش انسان به طبیعت و در نتیجه، تغییر روند تخریب و نابودی منابع زیست‌محیطی است. منابعی که نبود آنها نابودی نوع انسان را نیز به دنبال خواهد داشت. همچنین با معرفی رویکرد عرفانی مولوی (که بر مبنای تعالیم اسلامی شکل گرفته) نوعی بینش معنوی را در جهت ارتقاء و گسترش اندیشه دینی و رجوع

به مبانی اصیل اسلامی- عرفانی ارائه خواهیم نمود، بینشی که آدمیان را قادر می‌سازد تا هرچه بهتر به رؤیت تجلی حق در مظاهر طبیعت نائل آیند.

## روش تحقیق

شیوه انجام تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و از کتاب‌ها، مقالات و نیز نرم‌افزارها استفاده شده است. برای روشن شدن بحث و رسیدن به تقسیم‌بندی‌های مطرح شده در طول تحقیق، و نیز ارائه جمع‌بندی مناسب، کتاب‌های زیادی مورد مطالعه قرار گرفته است که از آنها با عنوان منابع نوشتاری در پایان پژوهش نام برده شده است، اما از منابع دیگری که برای شکل‌گیری بحث و قوت یافتن آن در ذهن نگارنده مورد مطالعه قرار گرفته‌است، به وجه مرسوم ذکر می‌نماید.

در صورت‌بندی و انتخاب فصول محوریت کار با مواردی بود که قابلیت پیوند یافتن با مسائل زیست‌محیطی را دارا باشند. به عبارت دیگر، در این پژوهش محورهایی در اندیشه مولوی مورد توجه قرار گرفته است که به نحو روشن‌تری قابلیت ارتباط با مباحث زیست‌محیطی را دارا باشند. به عنوان نمونه، در بحث از جهان‌بینی<sup>۱</sup> مولوی تنها به سه حوزه خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی پرداخته شده است؛ زیرا برآیند هر سه مورد پیوند مستقیمی با رویکردهای زیست‌محیطی دارد، اما مسائل مربوط به حوزه معرفت‌شناسی و کیهان‌شناسی را کمتر می‌توان با مباحث زیست‌محیطی پیوند داد.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که مسائل زیست‌محیطی و حتی علم محیط زیست شاخه‌ای جدید در علم بوده، و مسائل و محورهای مطرح در این علم مقولات مطرح و شایع در عصر مولوی نبوده‌اند. با این حال، در دستگاه فکری مولوی رویکردی به محیط زیست وجود دارد که می‌تواند برای چالش‌های زیست‌محیطی به عنوان راهکار تلقی شود. در نتیجه، در بسط و پیوند مفاهیم در گفتار مولوی به مباحث محیط زیست دلالت‌ها و اشارات صریح و آشکاری را در رابطه با موضوعات و چالش‌های زیست‌محیطی نمی‌توان یافت و مخاطب نباید به دنبال سخنان و نقل قول‌های مستقیم از مولوی برای مباحث زیست‌محیطی باشد. تنها از طریق تحلیل مفاهیم عرفانی مولوی می‌توانیم پیوندهایی را میان اندیشه عرفانی مولوی و مسائل

---

<sup>۱</sup> اطلاق جهان‌بینی اشاره به نوع نگاه خاص به پنج حوزه زیر می‌باشد: معرفت‌شناسی، کیهان‌شناسی (عالم نظری و روابط موجود در آن)، هستی‌شناسی (جهان‌شناسی: عالم عینی و روابط موجود در آن)، خداشناسی و انسان‌شناسی.

زیست‌محیطی برقرار کنیم. در ایجاد این پیوند نیز سخن از چالش‌های زیست‌محیطی مطرح در زمان ما نیست؛ زیرا این مسائل در زمان مولوی موضوعیت نداشته و به عنوان چالش مطرح نبوده‌اند. به همین دلیل، عنصر اصلی در پیدایش این مسائل و چالش‌ها، یعنی عمل انسان و نوع نگاه او به طبیعت، مبنای قرار گرفته و کوشش شده تا از طریق مفاهیم عرفانی مولوی این نوع عملکرد و نگاه به عالم تغییر یابد، مفاهیمی که مولوی می‌کوشد آنها را به عنوان بایسته‌های انسان کامل بسط دهد و تبیین نماید.

بر این اساس، رویکرد خاص مولوی از خلال اشعار و گفتار او فهمیده می‌شود، نه این که صراحتاً سخنی را مثلاً در جهت جلوگیری از آلودگی هوا و یا بحران جمعیتی معاصر از او نقل نمائیم. در نتیجه، تحلیل‌هایی که در ذیل هر بحث در پیوند مباحث عرفان مولوی با رویکردهای زیست‌محیطی مطرح گردیده برآیند نوع نگاه خاص عرفان مولوی می‌باشد و شاید به شکل مستقیم و عینی نتوان از آن اشعار و گفتارها بدان پی برد. این شیوه تحلیل، روشی مرسوم در بسط تعالیم و اندیشه‌های افراد به مباحث جدیدی است که شاید در زمان خود ایشان به شکلی خاص مطرح نبوده است. با این حال، کوشش شده تا مطالب کاملاً مستند و مدلل بوده و تمامی مباحث، بیشترین صراحت را در پیوند با مسائل زیست‌محیطی داشته باشند.

همچنین در این بررسی کوشش شده تا حوزه پژوهش از طریق ارجاع و طرح مباحث در پاورقی و معرفی کتب (برای مطالعه بیشتر) گسترش یابد. لذا همواره به مطالب تا جایی که مقدور بوده پرداخته شده، و در صورت لزوم، در پاورقی به شکل مختصر دنبال شده است.

در طول تحقیق به دلیل ارجاعات بسیاری که به آثار مولوی شده، همانند دیگر پژوهش‌ها درباره مولوی، از حروف اختصاری برای ارجاع به این آثار استفاده شده است که به شرح زیر می‌باشند:

- در ارجاع به **مثنوی معنوی** از علامت اختصاری **م**. استفاده شده است. پس از آن شماره دفتر و شماره ابیات مورد نظر ذکر شده است.
- در ارجاع به **دیوان کبیر** یا **کلیات شمس تبریزی** از علامت اختصاری **د**. استفاده شده است. پس از آن شماره غزل، رباعی و یا ترجیع‌بند ذکر شده و شماره ابیات مورد نظر در ادامه آن آمده است.
- در ارجاع به **فیه‌مأفیه** از علامت اختصاری **فیه**. استفاده شده و پس از آن شماره فصل و شماره صفحه ذکر شده است.
- در ارجاع به **مجالس سبعه** از علامت اختصاری **مجا**. استفاده شده و پس از آن شماره مجلس و شماره صفحه ذکر شده است.

- در ارجاع به **مکتوبات** از علامت اختصاري مك. استفاده شده و پس از آن شماره نامه و شماره صفحه ذکر شده است.

در مورد دیگر منابع مورد استفاده، ارجاع به شکل کامل در پاورقی ذکر شده است. در شیوه ارجاع نیز اساس کار شیوه نامه ارجاع کتابخانه ملی بوده است.

### گزارشي از فصول تحقيق

در این پژوهش پس از بیان کلیات تحقیق، شامل تبیین موضوع و نیز ضرورت و پیشینه بحث، و مختصری در زندگی‌نامه مولوی و معرفی آثار او (در دو بخش)، به شرح زیر به معرفی محیط زیست و بررسی رویکرد عرفانی مولوی به آن پرداخته شده است.

در بخشی با عنوان محیط زیست، به دو موضوع در قالب دو فصل پرداخته شده است. فصل اول به بررسی معنا و مفهوم محیط زیست و ارائه گزارشی از رویکردها و تعاریف مختلف در این زمینه پرداخته شده و در نهایت رویکرد مختار این تحقیق ارائه شده است. با این کار در حقیقت رویکرد و نگاه خود را به محیط زیست مشخص نموده‌ایم. در فصل دوم این بخش نیز به بررسی تعامل انسان با طبیعت و نتایج این تعامل، که بحران‌های زیست‌محیطی است، پرداخته شده است. در پایان این فصل، قسمتی با عنوان "راه حل چالش‌های زیست‌محیطی" رویکرد عرفان به طبیعت، به عنوان يك راهکار برای چالش‌های زیست‌محیطی معرفی شده است. در این قسمت به جایگاه محوری انسان در مسائل زیست‌محیطی و لزوم تغییر نوع نگاه او به طبیعت اشاره شده است و تحقق این امر همان چیزی است که ما در عرفان مولوی در جستجوی آن هستیم. به عبارت دیگر، در این بخش، عرفان به عنوان امری که می‌تواند در تغییر نوع نگرش انسان به طبیعت مؤثر باشد، مطرح شده است.

در بخش چهارم، رویکرد عرفانی مولوی به محیط زیست مطرح شده که هدف از آن، ارائه الگوی عرفان مولوی در تغییر نوع نگاه انسان به طبیعت و تغییر عملکرد او در آن می‌باشد. این بخش در چهار فصل با عناوین "عناصر اصلی در جهان‌بینی مولوی"، "شاخصه‌ها و ویژگی‌های عالم از نگاه مولوی"، "جایگاه انسان در نظام هستی از نگاه مولوی" و "نگاه مولوی به عناصر و پدیده‌های طبیعی" تنظیم شده است. در فصل اول که "عناصر اصلی در جهان‌بینی مولوی" نام دارد، به پنج عنصر اصلی در جهان‌بینی مولوی اشاره شده است، عناصری که مبنای اندیشه او در ورود به مباحث و اموری است که در آثار خود بدان‌ها پرداخته است. هم چنین در ذیل هر



اصل به پیوند آن با اندیشه‌های زیست محیطی اشاره شده تا مبنای تحقیق در ایجاد پیوند میان افکار مولوی و مسائل زیست محیطی روشن‌تر گردد.

در فصل دوم با بررسی شاخصه‌ها و ویژگی‌های عالم از نظر مولوی، به نگاه خاص او به طبیعت پرداخته شده است، نگاهی که در بستر اندیشه‌های زیست‌محیطی می‌تواند به عنوان الگویی سازنده برای تغییر نگرش انسان به طبیعت مورد توجه قرار گیرد. در این قسمت به مباحثی چون حیات، خلقت مداوم تمامی عناصر و موجودات و تکلم آنها پرداخته شده است.

در فصل سوم این بخش به بررسی نظر مولوی پیرامون جایگاه خاص انسان در طبیعت پرداخته شده تا از آن طریق وظایف و نحوه عمل انسان در مواجهه با طبیعت از نگاه وی مشخص شود. محورهای مورد بحث در این بخش عبارتند از همسنخی انسان با طبیعت، جایگاه انسان در طبیعت و نسبت انسان با طبیعت.

در فصل پایانی از این بخش، تلاش شده تا بر مبنای اقوال و زندگی مولوی، الگویی ارائه شده از رویکرد زیست‌محیطی مولوی جنبه عملی به خود گیرد. به این معنا که در این بخش نگاه خاص مولوی به برخی از پدیده‌های طبیعت بررسی شده است. این فصل به این دلیل ارائه شده است تا مولوی را به عنوان نمود محقق و عینی آراء و اندیشه‌های مطرح شده در این تحقیق معرفی نماید و رویکردی را که در بخش‌های پیشین به صورت مباحث و مسائل نظری مطرح شده است، در قالب یک الگویی عینی نشان دهد. از این طریق، امکان تحقق این اندیشه‌ها نیز به اثبات خواهد رسید.

عناصر و موجودات مورد بررسی در فصل اخیر آب (دریا)، گیاهان و جانوران می‌باشند. اگرچه مولوی در کاربرد این عناصر و موجودات در اشعار خود، رویکردی نمادین و استعاری را دنبال می‌کرده است، اما این مسئله به معنای خالی بودن وجود حقیقی موجودات و عناصر از مفاهیم ارزشی برای مولوی نیست. به عبارت دیگر، از نظر مولوی این موجودات و عناصر ویژگی‌هایی را دارا بوده‌اند که سبب می‌شده تا او آنان را به مفاهیم استعاری مطلوب خود پیوند دهد. در نتیجه، آنجا که مولوی از ارزشمندی و یا جایگاه خاص یک موجود یا یک پدیده سخن می‌گوید، این کلام او بی‌ارتباط با نوع نگاه خاصش به آن پدیده یا موجود نخواهد بود.

در تمامی فصول تلاش شده تا مباحث مربوط به هر حوزه به روشنی بیان گردد و چنان که گفته شد، زمینه‌های پیوند میان اندیشه‌های عرفانی و مباحث زیست‌محیطی در ذیل هر بحث، مطرح و بررسی شود..

## محدودیت‌های تحقیق

به جرأت می‌توان گفت که اصلی‌ترین عامل محدود کننده در فرآیند این تحقیق، موضوع آن بود، موضوعی که به دلیل ناشناخته بودن آن، آگاهی علمی یا منابع تخصصی چندانی در مورد آن وجود نداشت. علاوه بر آن، غریب به نظر آمدن پیوند میان محیط زیست (به عنوان يك علم تجربی) با عرفان (يك مقوله شهودی و معرفتی) بر سختی کار می‌افزود. البته این امر به دلیل فقدان مطالعات میان رشته‌ای در کشور تمامی مطالعات میان رشته‌ای را شامل می‌شود.

مباحث جدید در حوزه محیط زیست مبتنی بر علوم تجربی و بر اساس یافته‌های زیست‌شناسی تکاملی بود. بر این اساس، مباحثی چون برتری انسان، برگزیدگی او (مقام خلیفه خداوند بودن)، و حتی آفرینش خاص انسان مقولاتی غیر علمی و نادرست می‌نمود و مباحث مربوط به انسان‌شناسی فلسفی جدید نیز این مطلب را تأیید می‌کرد؛ زیرا مقولات مربوط به برگزیدگی انسان در عالم، صرفاً گزاره‌هایی الهیاتی محسوب می‌شدند که هیچ پشتوانه علمی و تجربی را به همراه نداشتند. جایگاه انسان برگزیده ادیان در مباحث زیست‌شناسی جدید آنقدر متزلزل و ضعیف است که کسی نمی‌تواند با رویکردی مدافع‌جویانه به سراغ آن برود.

در حوزه مباحث زیست‌شناسی و انسان‌شناسی تکاملی جدید، هیچ جایی برای انسان برگزیده و جهان مطیع او نمی‌یافتیم و برای دفاع کردن از جایگاه ضعیف او خود را کاملاً نتوان می‌دیدیم. یکی از عواملی که سبب شد تا نگاه من به مسئله جایگاه انسان برگزیده تغییر کند، مقاله‌ای به عنوان "مفاهیم زیست‌محیطی در اسلام"<sup>۱</sup> بود. در این مقاله برای دفاع از جایگاه ضعیف انسان برگزیده تلاش نشده بود، بلکه با تغییر و اصلاح مفاهیم، در مورد جایگاه انسان برگزیده در محیط زیست سخن به میان آمده بود. این همان رویکردی بود که برای ایجاد پیوند میان عرفان و محیط زیست لازم بود.

اگرچه این مطلب افق روشنی را به روی این تحقیق بازکرد، اما مسئله اصلی این بود که تغییر مفاهیم عمده در يك جهان‌بینی کاری کاملاً جدید است و منابعی برای تغییر و جایگزینی مفاهیم وجود ندارد و لذا در این کار باید به حداقل معانی قابل تغییر و مرتبط با هر دو حوزه محیط زیست و عرفان اکتفا می‌نمودم. تنها موضوع مشترك

---

<sup>۱</sup>. "مفاهیم زیست‌محیطی در اسلام؛ گفتگو با زیگموند نوکل، جامعه‌شناس آلمانی"، ماهنامه اطلاع‌رسانی

اخبار ادیان: معنویت زیست‌محیطی؛ الهیات فردا، سال هشتم، شماره ۱، مرداد ۱۳۸۹، ص ۷-۳۶.

میان دو حوزه انسان بود. در عرفان انسان به عنوان اصل و غایت هستی، و در محیط زیست انسان به عنوان جزئی از طبیعت که مسبب آسیب‌های زیادی به محیط زیست شده است تلقی می‌شد. به عبارت دیگر، در یک حوزه انسان در مقام بالاترین موجود، و در حوزه دیگر انسان در مقام مجرم قرار داشت، اما نقطه مشترک در هر دو انسان بود. در نتیجه، برای ایجاد این پیوند مطالب مربوط به محیط زیست را دوباره مرور کردم و نقاط پیوند آن را با انسان محور قرار دادم. همچنین در مباحث عرفان نیز به قسمت‌هایی توجه نمودم که از ویژگی‌های انسان برگزیده سخن می‌گوید، ویژگی‌هایی که تحقق آنها باعث خواهد شد تا او در جهت خواست الهی و، در نتیجه، مسیر مطلوب برای تمامی عالم حرکت کند.

اگرچه مسیر تحقیق هموار شده بود، اما فقدان منابع کافی همچنان مباحث تحقیق را در تنگنا قرار می‌داد، و این مسئله تا پایان کار نیز گریبان‌گیر تحقیق و محقق بود. به دلیل همین فقدان، گسترش و تنوع مفاهیم عرفانی ناممکن شد و محورهای انتخاب شده در حوزه عرفان به مباحث کلیدی منحصر شدند. با این حال، کلید اصلی، یعنی تغییر نوع نگرش به مفاهیم کلیدی در جهان‌بینی دینی- عرفانی، فراهم آمده بود و تحقیق با وجود کاستی‌های فراوان به انجام رسید.

مشکل عمده دیگر در فرآیند تحقیق فقدان مسائل و چالش‌های زیست محیطی جدید در اندیشه و آثار مولوی بود. در حقیقت این مسائل در زمان مولوی مطرح نبوده‌اند و هیچ جایگاهی را در اندیشه و مباحث عمده آن عصر اشغال نکرده بودند. مسئله ازدیاد جمعیت یا آلودگی و تخریب منابع زیست محیطی امری کاملاً جدید است که انسان‌های هم‌عصر مولوی نسبت به آن هیچ‌گونه آگاهی نداشته‌اند. در نتیجه، رد پای این امور را باید به صورت افعال غلط انسانی یا افعال انسان غافل از حقایق هستی جستجو کنیم. این امر سبب شد تا در طول تحقیق به شکل مستقل و جدای از مطالب و رویکردهای موجود در تفاسیر و شروح، آثار مولوی مورد مطالعه قرار گیرد و مطالب به فراخور بحث گزینش گردد.

نتیجه این تحقیق رویکردی کاملاً جدید به اندیشه و آثار مولوی است. ثمره این تحقیق نیز این خواهد بود که بتواند ساختارهای کهنه مفاهیمی که در غالب‌های خشک و غیرمنعطف جای گرفته‌اند را بشکند و تعابیر جدید و سازگارتری را از این مفاهیم نسبت به مسائل و موضوعات جدید ارائه نماید. همچنین درک جدیدی را از میراث ادبی کهن ما به فراهم آورد و ظرفیت‌های موجود در پیشینه فرهنگی‌مان را یادآور شود.

**بخش دوّم:**

**مختصری در زندگی و معرفی  
آثار مولوی**